یك میلیون مادر آمریکایی به دلیل مسائل اخلاقی تماشای پویانمایی داستان اسباب بازی ۴ را تحریم کرده‌اند

دیدن این کارتون جرم است!

بازشدن پای همجنسگرایی به پویانمایی‌های کودکان، مادران آمریکایی را شاکی کرده است

۱۲

نشانه شانسی عملیات توقیف نفتکش انگلیسی حاوی نکات افتخارآمیزی است

توقیف در برابر توقیف

محمدصادق علیزاده

ادبیات و هنر

توییت زده عملیات ایرانی‌ها در خلیج فارس و کماندو پیاده کردن روی عرشه یك نفتکش غیرنظامی، بیشتر شبیه یك دزدی دریایی و آدم‌ربایی است. این را در واکنش به فیلمی گفته که سپاه از عملیات توقیف نفتکش انگلیسی در تنگه هرمز منتشر کرده بود. جنگ روایت‌ها بین ما و انگلیسی‌ها بالا گرفته است. راستش را بخواهید اجازه بدهید قبل از رفتن سراغ اصل ماجرا، ذوق‌زدگی خودمان را از این مساله ابراز کنیم که مسؤولان مربوطه در چنین مواردی به پیوست رسانه‌ای و فرهنگی ماجرا هم فکر می‌کنند که علاوه بر این‌که در اصل قضیه دست بالاتر را داریم، در جنگ روایت و رسانه‌ای هم دست بالاتر را داشته باشیم. خب حالا برویم سراغ اصل موضوع. بررسی‌های ما در جام جم نشان می‌دهد مسؤولان نظامی ما در پیاده‌سازی عملیات توقیف نفتکش انگلیسی دقیقا به همان شکلی عمل کرده‌اند که انگلیسی‌ها در تنگه جبل‌الطارق عمل کرده و نفتکش ما را توقیف کردند. روی همین حساب هم بوده که طراحی عملیات توقیف نعل به نعل آن انجام گرفته و این از روی فیلمی که سپاه پاسداران منتشر کرده هم قابل درك است. این قابل درك بودن به شرطی است که شما تصاویری که انگلیسی‌ها از توقیف نفتکش ایرانی منتشر کرده‌اند را دیده باشید. اگر ندیده‌اید هم مشکلی نیست. ما چند فریم از مهم‌ترین تصاویری که انگلیسی‌ها منتشر کرده‌اند را توی این صفحه گذاشته‌ایم و مقابل هر کدام هم فریم مشابه را از روی فیلمی که سپاه منتشر کرده پیدا کردیم. خب با این اوصاف به نظر می‌رسد تکلیف ادعایی که در توییت ابتدای متن ذکر شده هم مشخص شده. تکاوران و کماندوهای ایرانی کار عجیبی انجام نداده‌اند. آنها در تنگه هرمز عین همان کاری را انجام داده‌اند که نظامیان انگلیسی در تنگه جبل‌الطارق. این شما و این روایت فریم به فریم ما و انگلیسی‌ها.

هلی‌برن نیروهای ما روی نفتکش انگلیسی

تکاوران دریایی سپاه در تنگه هرمز

ادای احترام تکاور ایرانی به دوربین

نفتکش انگلیسی استینا ایمپرو

هلی‌برن انگلیسی‌ها روی نفتکش ایرانی

کماندوهای انگلیسی در جبل‌الطارق

کماندوی انگلیسی در قاب دوربین

نفتکش ایرانی گریس ۱

آگهی مناقصه عمومی

خرید ست ملحفه یکبار مصرف

شماره ۰۱۲-۱-۵-۹۸

شرکت راه‌آهن شرقی بنیاد در نظر دارد، ۲,۰۰۰,۰۰۰ **ست ملحفه یکبار مصرف (اسپان باند) مورد نیاز قطارهای مسافری خود در تهران و مشهد را از طریق برگزاری مناقصه عمومی از یک شرکت معتبر و واجد شرایط** خریداری نماید.

متقاضیان می‌توانند جهت دریافت و تحویل اسناد مناقصه مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ریال به حساب جاری شماره **۵۵۰۷۱۱۳۴/۵۳** بانک ملت شعبه آتی‌ساز واریز و از تاریخ درج آگهی به مدت ۱۰ روز (به جز پنجشنبه و جمعه) از ساعت ۸ صبح الی ۱۶ به آدرس: تهران- خیابان شهید مطهری، بعد از تقاطع شهید مفتح، سمت چپ نرسیده به خیابان جهانتاب، پلاک ۱۷۳، طبقه دوم، واحد خدمات ایستگاهی مراجعه و یا جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۸۶۱۲۱۴۸۰ تماس حاصل فرمایند.

یادداشت: زینب مرتضایی‌فرد

ادبیات و هنر

یادش نکنی بهتر است که!

حالا رسانه‌ها هم می‌دانند که تهمینه میلانی، کارگردانی که عمری منتقد عملکرد مردان ایران در جامعه بود، خودش تاب نقد را ندارد و به احتمال خیلی زیاد نسبت به هر نقدی واکنش منفی نشان می‌دهد. احتمالا شما هم این ماجرا را می‌دانید دیگر، اتفاقاتی که در جریان برگزاری دو نمایشگاه نقاشی او رخ داد به‌علاوه واکنش‌های شخصی‌اش ماجراهایی داشت که می‌دانیم و می‌دانید... این بار ما سراغ میلانی نرفته‌ایم، بلکه اسماعیل امینی شاعر، طنزپرداز و مدرس دانشگاه رفته سراغ صفحه اینستاگرام این کارگردان و بخشی از مطالبی را که به اشتراك گذاشته بررسی کرده است. میلانی که به مناسبت تولد زنده‌یاد سیمین بهبهانی شاعر خواسته برای او سنگ تمام بگذارد، هفت نوشته مختلف را به اشتراك گذاشته و نام این شاعر را هم ذیل مطالب قید کرده است. تا این‌که امینی از راه رسیده و این هفت نوشته را بررسی کرده است. بعد هم خودش پستی گذاشته که چه نشسته‌اید! خانم کارگردان هفت نوشته از بهبهانی به اشتراك گذاشته که پنج‌تایش غیرواقعی است! بعد هم پرسیده چرا یك کارگردان سینما باید مواردی را در صفحه‌اش منتشر کند که نوشته‌های تقلبی بوده و در فضای مجازی دست به دست می‌چرخد؟ آیا نباید خانم میلانی با توجه بیشتری متن‌ها را انتخاب کند؟ هر چند احتمالا خانم میلانی از خواندن مطلب ایشان و ما برمی‌آشوبند و بررسی می‌کنند تا ببینند می‌شود از هر دوی ما شکایت کنند یا نه، اما حرف امینی نکته بسیار مهمی است. بلایی که فضای مجازی می‌تواند با بی‌دقتی بر سر ما بیاورد یك طرف و بلای دیگری که افراد شناخته‌شده می‌توانند با اشتراك هر مطلبی بر سرمان بیاورند، از یك طرف دیگر محاصره‌مان کرده‌اند. کوروش کبیر، علی شریعتی، حکیم عمر خیام و خیلی‌های دیگر قربانیان همین اوضاعند، اگر دستشان از دنیا کوتاه نبود می‌توانستند یك روز درمیان خیلی‌ها را به دادگاه بکشانند که ای بابا! ما کی این حرف‌ها را زدیم؟! حالا سیمین بهبهانی هم در نبودش حرف‌هایی می‌زند که بیا و ببین... نه اصلا نمی‌خواهد، نیایید و نبینید، غیرواقعی‌ها و انتساب‌های نادرست که دیدن و شنیدن ندارد. برویم و بروید به جایش سراغ کتاب. ما محتاج کتاب خواندنیم، محتاج داشتن منبع قوی برای هر ارجاع و حرف و استنادی هستیم.

پشت صحنه

جنگ روایت‌ها تحریم پویانمایی

دیروز حال هوای تهران کمی بهتر بود و خورشید تیرماهی کمی، البته تاکید می‌کنیم فقط کمی به خودش استراحت داده بود، کمی آسوده‌تر به روزنامه آمدیم و از راه که رسیدیم مثل هر روز هلاك گرما نبودیم. راستش خودمان هم خسته شدیم اینقدر هر روز از زورآزمایی خورشید نالیدیم اما می‌دانیم که اغلبتان با ما همدرد هستید و می‌دانید از چه حرف می‌زنیم. این را هم بگوییم که هر روز همین‌طور که از گرما می‌نالیم و کار می‌کنیم یك ایرانگردی درون‌گروهی هم داریم، کلی نگران مردمان استان‌های گرم‌تر می‌شویم و آرزو می‌کنیم خورشید کمی مهربان‌تر بتابد.

البته دو سه روز است که در گروه مباحث دیگری هم داریم و سخت درگیر ماجرای خلیج‌فارس و نفتکش ایرانی و انگلیسی و ... هستیم. شما هم اگر محمدصادق علیزاده رئیستان بود که حسابی از این امور سررشته دارد و پیگیر همه اتفاقات منطقه، مثل ما حساس می‌شدید و خبری از دستتان در نمی‌رفت. علیزاده همین زمانی که بنده داشتم پشت صحنه را می‌نوشتم، مشغول نگارش روایتی مفصل بود از آنچه میان ایران و انگلستان رخ داده است. البته ماجرای نفتکش‌ها که از هفته پیش شروع شده اما حالا رسانه‌های هر طرف مشغول ارائه گزارش درباره اتفاقات پیش آمده هستند. علیزاده در همین صفحه ۹ روایت‌ها و رفتار دوگانه رسانه‌های انگلیسی را بررسی کرده است. بخوانید و ببینید ماجرا چیست.

در صفحه ۱۰ و ۱۱ امروز هم چه کرده است علی رستگار... این همکار ما که در صفحه سینما بارها مطالبش را دیده‌اید، از کاردرست‌ترین خبرنگارهای سینمایی جهان است! نه فیلم خوبی از دست می‌رود و نه هیچ چیز باعث می‌شود حواسش از جریان‌های روز سینما در ایران پرت شود. او امروز در دو صفحه رفته سراغ پرونده مفصل و قطور کارگردان‌های دهه ۶۰ سینمای ایران. خیل عظیمی که بسیاری‌شان موفق نبوده‌اند و حالا که پیر شده‌اند باید بررسی کرد و دید در این چند دهه چه عملکردی در سینمای ایران داشته‌اند. رستگار این گزارش مفصل را به مناسبت شکست «کار کثیف» خسرو معصومی در گیشه و فیلمسازی دوباره ابراهیم حاتمی‌کیا نوشته است تا کارگردان‌های موفق و ناموفق این نسل را در کنار یکدیگر بررسی کند.

و اما در صفحه ۱۲ هم رفته‌ایم سراغ ماجرای یك پویانمایی پرمخاطب که حالا از جانب خیلی‌ها در جهان مورد تحریم واقع شده است. فکرش را بکنید بچه‌ها بنشینند و کارتون پرمخاطب «داستان اسباب بازی ۴» را ببینند، بعد با کودکی مواجه شوند که دو مادر دارد! اصلا کدام پدر و مادری می‌تواند این را بپذیرد؟ خوشحالیم که این بار کار از کشورهای مسلمان و به‌ویژه ایران هم گذشته و همه در برابر چنین ماجرایی واکنش نشان داده‌اند. این واکنش‌ها و اتفاقات مرتبطش را بررسی کرده‌ایم، بخوانید و ببینید نظرتان چیست.